

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۱ Scopus

صص ۱۰۹-۸۸

سناریوهای تأثیر برگزیت بر وحدت پولی اتحادیه اروپا

ثریا بابائی* - دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران.
دکتر علیرضا سلطانی - استادیار دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز،
تهران، ایران.

دکتر اردشیر سنایی - دانشیار دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز،
تهران، ایران.

دکتر حمیدرضا شیرزاد - دانشیار دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز،
تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۳۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۱۳

DOR: 20.1001.1.17354331.1401.18.66.4.2

چکیده

پول واحد در قالب یورو یکی از عناصر اصلی قوام بخش ژئوپلیتیک اتحادیه اروپا می باشد که تغییر و تحول در آن می تواند سبب تغییرات ژئوپلیتیکی دیگری در این قاره شود. روشن است خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، کلیت این اتحادیه و از جمله وحدت پولی آن را تحت تأثیر قرار می دهد. هدف این مقاله بررسی مسئله تأثیر خروج انگلستان (برگزیت) بر وحدت پولی اروپا می باشد. اهمیت این مسئله در تأثیرات ژئوپلیتیکی تداوم اروپای نسبتاً منسجم و یا تغییر آن به یک اروپای شکننده بر سیاست بین‌الملل است. نگارندگان این مقاله با بهره‌گیری از نظریه پیتر شوارتز (سناریونویسی معروف به G.N.B کسب و کار تجارت جهانی در قالب الگوی آینده پژوهشی) و نیز روش توصیفی، تحلیلی و نیز فرایند محور سه سناریو، بدبینانه شکست وحدت پولی اروپا، سناریو حفظ وضع موجود (تداوم همکاری‌ها میان انگلستان و اتحادیه اروپا) و سناریو خوشبینانه (انسجام فرایند وحدت سیاسی و اقتصادی اروپا) را ارائه دادند. بر مبنای شرایط وقوع سناریوها، نتیجه اصلی پژوهش این است که خروج انگلستان از اتحادیه اروپا، به تقویت مناسبات و سیاست‌های واحد پولی یورو کمک خواهد کرد.

واژه‌های کلیدی: اتحادیه اروپا، برگزیت، وحدت پولی، آینده پژوهشی، سناریونویسی.

۱. مقدمه

قاره اروپا نقطه آغازین دو جنگ جهانی بوده است. اما بعد از جنگ جهانی دوم دو دشمن اصلی سابق یعنی فرانسه و آلمان که برای بیش از ۷۰ سال با یکدیگر خصومت و جنگ داشتند، تصمیم گرفتند به از وضعیت خصومت فاصله گیرند و در مسیر همکاری حرکت کنند. هرچند همکاری‌های مشترک در عرصه زغال و فولاد شروع شد و بتدریج به حوزه‌های دیگر گسترش پیدا کرد اما آنچه که مهم است زمینه‌ها و عناصری بود که همکاری و همگرایی را تشویق می‌کرد و در گذر زمان آن را تقویت می‌کرد. اشتراکات فرهنگی و ارزشی، هزینه‌بر بودن جنگ و خصومت، ترس از تهدید مشترک یعنی کمونیسم با محوریت شوروی، نیازهای متقابل به همکاری مشترک، اهمیت پیدا کردن مولفه اقتصاد و... از جمله عواملی بود که مشوق همکاری بود. انگیزه برای همکاری و گسترش همکاری‌ها و همگرایی به دیگر کشورهای اروپای غربی سبب شد که وحدت و همگرایی به شکلی مداوم تقویت گردد. در واقع موفقیت همکاری در یک بخش سبب می‌شد که آن بخش به عنصر وحدت‌بخش و تقویت‌کننده همکاری تبدیل شود. رسیدن به وحدت پولی و داشتن یک پول واحد یکی از آن عناصر وحدت‌بخش بود. در واقع در اجتماع سیاسی در حال شکل‌گیری اروپا اقتصاد نقش مهم و بسیار پررنگی داشت و وحدت پولی، یکی از رویاهای سیاستمداران اروپائی تا پیش از شکل‌گیری اتحادیه اروپا بود، آرمانی که با شروع قرن بیست و یکم در اتحادیه اروپا و با به رسمیت شناختن یورو به عنوان پول مشترک، تحقق یافت. اول ژانویه ۲۰۰۲ بود که استفاده از یورو به صورت رسمی در ایتالیا، فرانسه، آلمان، بلژیک، اسپانیا، پرتغال، لوگزامبورک، فنلاند و هلند آغاز شد و پس از آن کشورهای دیگر نیز به این اتحادیه برای رسمیت بخشیدن به پول مشترک یورو پیوستند.

رسیدن به پول واحد خود در تقویت اتحادیه اروپا و احساس مشترک یکی بودن نقش مهمی داشت. هرچند کشورهای مانند بریتانیا و دانمارک از همان ابتدا تلاش داشتند از پذیرش پول رسمی واحد اجتناب کنند اما گریزی از این واقعیت وجود نداشت. با خروج انگلستان از اتحادیه اروپا، بریتانیا رسماً از یورو و واحد پولی مشترک نیز جدا شد و در معاملات خود استفاده خواهد کرد. با توجه به اهمیت اقتصاد بریتانیا در اروپا از یک سو و نیز همیت یورو در کنار دلار، به

عنوان یکی از مهم‌ترین ارزش‌های جهانی از سوی دیگر بسیار مهم است که این مسئله مورد بررسی قرار گیرد که خروج بریتانیا چه تاثیری بر وحدت پولی اروپا خواهد داشت. اینکه با کناره‌گیری انگلستان از اتحاد پولی اتحادیه اروپا، آینده‌ی یورو به چه سمتی خواهد رفت؛ مسئله‌ای مهمی که این مقاله به دنبال رسیدن به پاسخ احتمالی آن است. این پژوهش با استخراج سناریوهای از آینده وحدت پولی اروپا، این سناریو را محتمل‌تر می‌داند که خروج بریتانیا سبب انسجام بیشتر اتحادیه اروپا و به تبع آن تقویت وحدت پولی می‌شود.

۲. روش تحقیق

روش اجرای این تحقیق کیفی و رویکرد آن توصیفی - تحلیلی بوده است. همچنین با توجه به ماهیت این تحقیق، از روش آینده پژوهشی و به طور خاص سناریونویسی نیز استفاده می‌شود. علاوه بر این، فیش‌برداری در این تحقیق ابزار اصلی پژوهش است به این معنی که پس از مطالعه کتب، مقالات، مجلات تخصصی، منابع اینترنتی (منابع فارسی و لاتین) و دیگر منابع سنتی و با لحاظ کردن متغیرهای مستقل و وابسته، موضوعات مرتبط را استخراج و ضمن کدگذاری، آنها را در برگه فیش‌های تحقیقاتی ثبت می‌نماییم. در این راستا با رجوع به منابع و آثار مکتوب سال‌های اخیر و همچنین مصاحبه با نخبگان نسبت به روش تجزیه و تحلیل اطلاعات اقدام خواهد شد.

۳. مبانی نظری: اجتماع صلح‌آمیز و سناریوسازی پیتر شوارتز

مبانی نظری این مقاله مبتنی بر دو مبحث متفاوت است که با ترکیب آنها رویکرد مورد نیاز این مقاله برای تبیین مسئله پژوهش فراهم شده است. مبحث نخست موضوع همگرایی در اتحادیه اروپا است که آن را به یک اجتماع تصمیم‌گیری مشترک تبدیل کرده است. اتحادیه اروپا را بعنوان یک اجتماع سیاسی در نظر می‌گیرند که توانسته است کشورهایی با سلاقی مختلف را دور خود گرد آورد. در اجتماع سیاسی اختلافات منافع و رقابت بین گروه‌های ذینفع به صورت مسالمت‌آمیز حل می‌شود و خشونت از بین خواهد رفت. در اجتماع سیاسی از طریق مصالحه و سازش، تصمیمات به صورت مشترک اخذ خواهد شد و گروه‌ها و کشورهای موجود در آن اجتماع دست از تصمیم‌گیری مستقلانه می‌کشند و تصمیم‌گیری را یا به صورت جمعی انجام

می‌دهند یا آن را به یک نهاد فراملی واگذار می‌کنند. فراملی یعنی اینکه در اجتماع سیاسی یک نهاد برتر مانند اتحادیه اروپا تأسیس می‌شود که تصمیم‌گیری مشترک را از جانب کشورها انجام می‌دهد و بتدریج بازیگران سیاسی وفاداری‌ها، انتظارات و فعالیت‌های سیاسی خود را از نهادهای ملی به این نهاد فراملی تغییر جهت می‌دهند. بر این مبنا باید گفت رسیدن به پول واحد و مشترک یکی از تصمیمات مهم و مشترک این اجتماع سیاسی بود که آثار مهمی برای تداوم همگرایی اروپا داشت. حال در نبود بریتانیا باید دید که این اجتماع سیاسی و نظام تصمیم‌گیری مشترک به ویژه در حوزه پول واحد چه سرنوشتی پیدا خواهد کرد.

مبحث دوم، مطالعات آینده است. هرچند آینده‌پژوهی و مشخصاً سناریونویسی از روش‌های پژوهش است اما این مقاله تلاش کرده که به بهره‌گیری از نظریه شوارتز آن را به مثابه یک چارچوب نظری نیز به کار گیرد. اگر آینده مملو از عدم قطعیت‌ها و وضعیت‌های نامعلوم است، پس آینده‌های قابل باوری که احتمال رخداد برابری دارند نیز در بین آنها وجود دارند. سناریوها این آینده‌ها را بیان کرده و روایت‌های بدیلی درباره موقعیت مرتبط آینده ارائه می‌دهند. عناصر نسبتاً مشخص و عدم قطعیت‌های آینده را می‌توان با دسته‌ای از سناریوها تشریح کرده و بر اساس آن نسبت به آینده موضع گرفت و برنامه‌ریزی کرد (Zali, 2012:36). سناریوها داستان‌هایی درباره‌ی روش تغییر و تحول ممکن جهان در فردا (آینده) هستند؛ داستان‌هایی که ما را نسبت به تشخیص و سازگاری در برابر جنبه‌های متغیر محیط فعالیت کنونی مان یاری می‌دهند (Shwartz, 2008:6). به‌طور کلی، می‌توان گفت که سناریوها توصیف‌هایی قصه‌گونه از رویدادهای ممکن و چندگانه‌ای هستند که احتمال وقوع آنها در آینده وجود دارد؛ آمیزه‌ای از پیش‌بینی‌های تخیلی و با این حال، واقع‌گرایانه از رویدادهای احتمالی آینده (Pedram, 2009:9-10).

با نظر به تمام این تعاریف از «سناریو» در پژوهش حاضر روش سناریوپژوهی پیتز شوارتز در مقام تعیین‌کننده ابعاد و ارائه‌دهنده طرح کلی پژوهش ارائه شده است. شوارتز معتقد است هر سناریو از سه بخش عمده تشکیل شده است؛ ۱. عناصر نسبتاً مشخص ۲. نیروهای پیشران تغییرات ۳. عدم قطعیت‌های حساس. عناصر نسبتاً مشخص، به پدیده‌هایی با نرخ تغییرات کند گفته می‌شود که مثال بارز آن آمار جمعیت و رشد آینده‌ی یک گروه سنی خاص است. برای

نیروی پیشران تغییرات، می‌توان به کلان‌روندها یا ترکیبی از روندهای خرد اشاره کرد که گسترش فناوری اطلاعات یا تجارت الکترونیک نمونه‌هایی از آنها است. اما عدم قطعیت‌های حساس، در واقع محل تلاقی بیم‌ها و امیدهای یک فرد یا سازمان است که نسبت به وقوع تغییرات در این زمینه آسیب‌پذیرتر هستند (Showartz, 2008). رویکرد پیتر شوارتز در هشت گام کلیدی ارائه می‌شود که عبارتند از:

- شناسایی موضوع یا تصمیم اصلی
- شناسایی عوامل و عناصر کلیدی در محیط منطقه‌ای
- شناسایی نیروهای کلیدی محیطی و پیشران‌های تغییرات
- تحلیل و طبقه‌بندی نیروهای کلیدی محیطی براساس دو عامل "اهمیت" آنها و «عدم قطعیت» آنها
- منطوق‌دهی به سناریوها به منظور تفکیک آنها از یکدیگر
- پربارکردن و غنی‌کردن سناریوها با مراجعه به عوامل و روندهای شناسایی شده اصلی
- بررسی تصمیمات متناسب با هریک از آینده‌های یافت شده در سناریوها
- انتخاب شاخص‌ها و علائم راهنما به عنوان نشانه‌های تحقق سناریو در آینده (Showartz, 2008: 212-216).

علی‌رغم ارائه گام‌های هشت‌گانه در ارائه سناریو از منظر شوارتز، در ابتدای امر توجه به این نکته ضروری است که سناریوها می‌توانند در قالب دو الگو ارائه شوند. در الگوی اول، سناریو یا سناریوها قبل از وقوع یک رخداد یا وضعیت خاض ارائه و طرح می‌شوند. در الگوی دوم، سناریو یا سناریوها بعد از وقوع یک رخداد و طرحی ذهنی از احتمالات آینده نوشته می‌شوند. بر اساس این الگو، پژوهش حاضر در دسته دوم قرار می‌گیرد.

۴. یافته‌های تحقیق

در این بخش، در گام نخست، مبانی ژئوپلیتیک اتحادیه اروپا مورد بررسی قرار می‌گیرد. در واقع، در این بخش نقطه آغازین همگرایی و اهمیت وحدت پولی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در گام دوم بحران مالی سال ۲۰۰۸ مورد بررسی قرار می‌گیرد که سبب بدبینی‌ها نسبت به وحدت پولی

شد و چالش‌ها و نیز ضعف‌های نهادهای مالی این اتحادیه را نشان را داد و فضا را برای شکل‌گیری جریان‌های مخالف همگرایی به عنوان یکی از پیش‌رانه‌های آینده فراهم کرد. سپس در گام سوم تاثیر خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا بر وحدت پولی مورد بحث و تحلیل قرار خواهد گرفت.

۴-۱. ژئوپلیتیک اتحادیه اروپا

اشتراکات فرهنگی و ارزشی در اروپا سبب شد اولین تجربه بشر در حوزه همگرایی منطقه‌ای در اروپای غربی اتفاق افتد و پس از فروپاشی شوروی به سوی اروپای شرقی نیز گسترش یابد (khalozade,2004:1). پس از جنگ جهانی دوم بحث در رابطه با همکاری کشورها با یکدیگر در نظام بین‌الملل بالا گرفت و نظریه منطقه‌گرایی نمود یافت. منطقه‌گرایی بر همگرایی بیشتر کشورها با یکدیگر تاکید دارد و اینکه نمی‌توان بدون همکاری با دیگر کشورها به پیشرفت و توسعه‌ای جامع دست یافت. در جهان امروز دولت‌های ملی و کشورها برای تامین نیازهای اقتصادی و منافع ملی و نهایتاً تامین امنیت اقتصادی خود ناچارند به اقتصاد بین‌المللی بپیوندند. از آنجا که اقتصادهای در حال رشد بخصوص در کشورهای در حال توسعه، قدرت و توان لازم برای رقابت با اقتصادهای توسعه یافته را ندارند، به سمت منطقه‌گرایی گرایش می‌یابند. بنابراین منطقه‌گرایی می‌تواند به مثابه پلی باشد که دولت‌ها با اصطکاک کمتری نسبت به یکدیگر، به اهداف و منافع اقتصادی - سیاسی خود در جهان دست یابند. به نظر می‌رسد که در قالب همگرایی منطقه‌ای به دلیل پیوستگی جغرافیایی و وجود اشتراکات در یک منطقه، اهداف کشورها قابل حصول‌تر خواهد بود. پس منطقه‌گرایی برای کشورهای در حال توسعه می‌تواند راهکاری جهت جلوگیری از حاشیه‌ای شدن باشد و همچنین مسیری مطمئن برای دستیابی به منافع اقتصادی سیاسی باشد چرا که چندین کشور در حال توسعه و از لحاظ قدرت، متوسط، از این طریق بخوبی می‌توانند در سیاست بین‌الملل ایفای نقش نمایند و علاوه بر اهداف سیاسی اقتصادی و رشد و توسعه منطقه، امنیت منطقه را نیز به دلیل همکاری کشورها با یکدیگر و وابستگی متقابل پیچیده میان آنها تامین گردد. همان‌طور که می‌دانیم سنگ بنای همگرایی منطقه‌ای، در اروپا گذاشته شد و ادبیات مربوط به آن در دهه ۱۹۶۰ میلادی در رشته‌ی روابط

بین‌الملل گسترش یافت اما در دهه‌های بعد تا فروپاشی شوروی برای مدتی طولانی به دلیل توجه زیاد به سطح نظام جهانی و بی‌توجهی به تنوعات در میان سیستم‌های گوناگون منطقه‌ای، به این ادبیات کم‌توجهی صورت گرفت که پس از فروپاشی نظام دوقطبی، گرایش به همکاری‌های منطقه‌ای تشدید شد و توجه خاصی به همگرایی منطقه‌ای معطوف شد.

بنابراین منطقه‌گرایی در طی دو دهه ی اخیر نضج گرفته و در تعاملات بین‌المللی نیز از جایگاه در خور توجهی برخوردار گردیده است (Hafeznia, 2012:8). محققان بر این باورند که آنچه در اروپای غربی به وقوع پیوست، می‌تواند دارای آثار متعددی برای نظریه‌های روابط بین‌الملل باشد (Ghavam, 2011:38). توضیح بیشتر اینکه منطقه‌گرایی معمولاً یک روند دولت‌محور تعریف می‌شود که هدف آن تجدید سازمان یک فضای منطقه‌ای خاص در راستای اهداف سیاسی و اقتصادی می‌باشد (Nuttal, 2005, 144). با این اوصاف، همگرایی منطقه‌ای، بیان چگونگی رسیدن به صلح و امنیت بین‌المللی و چارچوبی برای مطالعه‌ی روابط بین‌الملل است. مهم‌تر اینکه همگرایی در سطح منطقه کاری بس سهل‌تر از سطح جهانی است. نظریه‌پردازان در این راستا به دلایل ذیل اشاره می‌نمایند:

- هماهنگی منافع و اشتراک ارزش‌ها و آداب و رسوم بین کشورهای همسایه بیشتر است؛
- منافع اقتصادی - سیاسی کشورها از طریق چند جانبه‌گرایی بهتر از یکجانبه‌گرایی تامین می‌شود؛
- کاهش جنگ و خشونت از طریق منطقه‌گرایی بیشتر ممکن است و کشورها انگیزه‌ی بیشتری برای حل و فصل اختلافات دارند.

در مجموع بر حسب در نظر گرفتن سطوح گوناگون تحلیل و توسل به نظریه‌های مختلف می‌توان در ارتباط با همگرایی منطقه‌ای به نتایج متفاوتی رسید. دو گروه از نظریه‌های سیستمیک یا ساختاری یعنی نواقع‌گرایی با تاکید بر محدودیت‌های نظام فاقد اقتدار مرکزی بین‌المللی و اهمیت رقابت بر سر قدرت و همچنین نظریه‌های وابستگی متقابل ساختاری و جهانی‌شدن که روی تغییر در مختصات بین‌الملل و تاثیر دگرگونی اقتصادی و فناوری تاکید می‌کند را می‌توان مورد توجه قرار داد. آنچه که روشن است این است که منطقه‌گرایی به مدیریت مشترک و تشکیل

نهادهای منطقه‌ای منجر می‌شود که خود سبب دگرگونی در نظام بین‌الملل نیز شده است (Sadeghlou and et al, 2019:4).

یکی از شاخصه‌های اصلی اتحادیه اروپا در زمینه اقتصادی همانا وحدت پولی و ایجاد اتحاد پولی است. جامعه اروپایی یک ساختار ژئوپلیتیکی از نوع جدید است (Davodifar, 2008:137). مرور کلی پیشرفت کار اتحادیه اروپایی در گذشته و حال نشان می‌دهد که نفس اتحاد اروپا به عنوان یک آرمان و ضرورت نظم جدید اقتصادی - سیاسی جهان بیشتر از گذشته مطرح می‌گردد، ولی در مورد کیفیت آن ابهام‌ها برطرف نشده است. هم اکنون، تداوم پیشرفت کار اتحادیه در زمینه حذف موانع فنی، فیزیکی، مالی و امنیتی، حرکت آزادانه‌تر کالا، سرمایه، نیروی کار و خدمات نیز مطمح نظر است (Talaii, 1997:93). اتحاد کامل به نظر می‌رسد به عوامل مهمتری نیاز داشته باشد که همانا عوامل سیاسی و اجتماعی است، در این زمینه نقاط افتراق و تفاوت نظرگاه‌های بخش‌های مختلف اروپا مدنظر باید قرار گیرد. به عنوان مثال انگلستان در عین حال که از لحاظ اقتصادی یکی از اعضای مؤثر اروپای متحد بود، اما تحفظ‌های متعددی در مورد وحدت پولی و سیاسی اروپا داشت (Redwoods, 2003: 30). ساده شدن، روشن شدن، گسترش، تقویت چارچوب قانونی، معاهدات مؤسس به وسیله معاهدات دیگر تکمیل و اصلاح شده است. در سال ۲۰۰۲ پنجاه سال عمر "معاهده جامعه فولاد و ذغال اروپا" به پایان رسید و مسئولیت در حوزه ذغال و فولاد به اتحادیه اروپا منتقل شد. بدین ترتیب چارچوب معاهده اتحادیه اروپا بطور اساسی از چارچوبی که در دهه ۱۹۵۰ بنا نهاده شد، متفاوت است. موفقیت کشورهای اروپایی در پیشبرد همکاری و همگرایی در یک بخش سبب شد که آنها همکاری و همگرایی در دیگر بخش‌ها را نیز دنبال کنند. از طرفی این ضرورت وجود داشت که همکاری‌ها گسترش یابد تا ساختار همگرایی قوام بسیار بیشتری بیابد. به این خاطر بود که اقدامات در راستای رسیدن به وحدت پولی نیز آغاز شد و در نهایت در ۹ و ۱۰ دسامبر ۱۹۹۱ سال ۱۹۹۱ در شهر ماستریخت هلند وزاری خارجه قراردادهای مربوط به حوزه وحدت پولی را امضا کردند و گامی اساسی در مسیر وحدت پولی برداشتند.

در واقع معاهدات حقوقی و سیاسی و متعدد مانند قرارداد ماستریخت است که امکان انسجام و هماهنگی میان اعضای اتحادیه اروپا را فراهم کرده است و به تصمیمات جمعی مشروعیت می‌بخشد و اجرای آن را آسانتر می‌سازد (karami,2019:52). این قراردادها، بر پایه سه اصل وحدت اقتصادی، سیاسی و پولی و نیز یکسان کردن سیاست خارجی استوار بود. هدف پیمان، این بود که اتحادیه، به اولین قدرت اقتصادی اروپایی و به دنبال آن، جهانی مبدل شود تا بتواند با یک صدای واحد در صحنه سیاسی جهان ظاهر گردد و با یک نیروی نظامی از تمامیت ارضی خود دفاع کند. البته، اعضای اتحادیه اروپا نسبت به این قراردادها همسویی کامل نداشته و نسبت به مسائلی که در این اجلاس دو روزه مطرح شد، نظرات متفاوتی ارائه کردند. سرانجام با در نظر داشتن این اختلاف‌نظرها و با توجه به نقاط اشتراک، معاهده ماستریخت در ۲۱۲ صفحه در هفتم فوریه ۱۹۹۲، به وسیله نمایندگان ۱۲ کشور عضو جامعه اروپا امضا شد. علیرغم تمام اختلافات، پیمان ماستریخت در نوامبر ۱۹۹۳ اجرایی شد و جامعه اروپا به شکل رسمی به اتحادیه اروپا تغییر پیدا کرد و چشم‌انداز شکل‌گیری پول و سیاست خارجی واحد شفاف‌تر و عینی‌تر شد.

۲-۴. بحران درحوزه یورو

به دنبال بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸، یونان اولین کشور اروپایی بود که بحران پولی در آن آغاز شد. در واکنش به این بحران جهانی که در حال تسری به کشورهای اروپایی دیگر مانند پرتغال و اسپانیا بود، سران اروپایی برای حل بحران در اول مارس ۲۰۰۹، نشست فوری تشکیل دادند. این نشست شکاف‌های درونی در پاسخ به اولین بحران مالی اروپایی را نشان داد. خیلی زود آشکار شد که کمک ۱۴۲ میلیارد دلاری برای حوزه یورو اصلاً کافی نیست. در نشست بعدی در بروکسل در سال ۲۰۱۰، بودجه ۷۵۰ میلیارد یورویی مصوب شد. این بحران، ناکارآمدی نهادهای سیاسی - اقتصادی اتحادیه اروپا را آشکار کرد.

بحران منطقه یورو که بطور خاص از سال ۲۰۰۹ آغاز شد بدبینی دامن‌گیری را نسبت به اتحاد پولی در منطقه گسترش داد بطوری‌که احزاب پوپولیست در کشورهای اتحادیه اروپا، از این موضوع سوءاستفاده کردند و حتی رقیب انتخاباتی امانوئل مکرون در دور نهائی ریاست جمهوری

فرانسه سال ۲۰۱۸ یعنی مارین لوپن، عملاً خواستار رای گیری برای خروج از منطقه یورو در فرانسه شد. اگرچه مکرون، از اتحاد پولی دفاع می کند اما نقد او نیز این است که وحدت پولی یورو به سمتی گرایش پیدا کرده است که تنها منافع ملی کشور آلمان را تامین می کند و لذا نیاز به اصلاح جدی دارد (Tisdall, 2020:1). بریتانیا از همان ابتدا مخالف وحدت پولی از طریق پیمان ماستریخت بود و بعداً مفاد این پیمان را به شکل مشروط پذیرفت. تونی بلر نخست وزیر وقت ۵ شرط را برای پذیرش یورو به عنوان ارز اصلی پذیرفت که آن را در واقع "پنج آزمایش اقتصادی" نامید که عبارتند از:

- آیا چرخه های تجاری و ساختارهای اقتصادی به گونه ای باهم سازگار هستند که ما و دیگر اعضا بتوانیم با نرخ بهره یورو بطور دائم با آن کنار بیایم؟
 - در صورت بروز مشکلات، آیا انعطاف پذیری کافی برای مقابله با آنها وجود دارد؟
 - آیا پیوستن به اتحادیه اقتصادی و پولی اتحادیه اروپا شرایط بهتری برای شرکت هایی که تصمیم می گیرند که سرمایه گذاری بلندمدت در انگلیس داشته باشند، ایجاد و تضمین می کند؟
 - ورود به اتحادیه اقتصادی و پولی اتحادیه اروپا چه تاثیری بر جایگاه رقابتی صنعت خدمات مالی انگلیس، به ویژه بازارهای عمده فروشی شهری خواهد داشت؟
 - به طور خلاصه، آیا پیوستن به اتحادیه اقتصادی و پولی اتحادیه اروپا باعث افزایش رشد، ثبات و افزایش ماندگاری در مشاغل خواهد شد؟ (HM Treasury, 2019).
- خزانه داری سلطنتی بریتانیا برای اولین بار در اکتبر ۱۹۹۷، پنج آزمایش اقتصادی را ارزیابی کرد، این ارزیابی منوط بر این شد که اقتصاد انگلیس نه به اندازه کافی با سایر کشورهای اتحادیه اروپا همگرایی داشته باشد و نه به اندازه کافی انعطاف پذیر باشد، تا بر این اساس عدم عضویت آن در اتحادیه پولی را توجیه کند.

بی شک نخستین پیامد خروج بریتانیا از این بلوک اروپایی، تاثیرات ژئوپلیتیکی آن خواهد بود که توازن قدرت در اروپا را از اساس به لرزه افکنده و این اتحادیه را به تجدیدنظر در نقش جهانی خود وادار می سازد (Shirazi, 2017:169). در واقع اختلافات اساسی میان اعضای این

اتحادیه حتی می‌تواند جایگاه جهانی اتحادیه اروپا را تنزل دهد (Mirfakhraee, 2016: 125). اهمیت آثار ژئوپلیتیکی خروج بریتانیا از این جهت است که بین فرانسه و آلمان برای بیش از نیم قرن جنگ و رقابت در جریان بود و انگلستان با ایفای نقش میانجی‌گری و توازن‌دهنده بعد از پایان جنگ جهانی دوم تلاش کرد که فرانسه و آلمان را در جهت همکاری سوق دهد. در واقع نمی‌توان منکر نقش انگلستان در حفظ صلح بین آلمان و فرانسه بعد از جنگ جهانی دوم بود. علاوه بر این، انگلستان با حضور در اتحادیه اروپا، این اتحادیه را به بازیگر مهمی در عرصه جهانی تبدیل کرد. حال با خروج انگلیس از اتحادیه اروپا سوال اساسی، وضعیت روابط آلمان - فرانسه از یک سو و از سوی دیگر جایگاه بین‌المللی این اتحادیه از سوی دیگر است. همچنین باید گفت که آمال وانگاره امپراتوری که یکی از پیشران‌های برگزیت نیز بوده است، یکی از برسانندگان اصلی سیاست خارجی انگلیس پس از پایان عصر امپراتوری بوده است. به نظر می‌رسد برسازای عبارت و یا استعاره بریتانیا جهانی نیز در متن انگاره امپراتوری بریتانیا قابل تحلیل باشد. سیاستی که البته ابعاد ژئوپلیتیکی و امنیتی، مؤلفه‌های ژئواکونومیکی و ملاحظات ژئوکالچر را نیز در بر می‌گیرد. آمال و آرزوهای جهانی در نظر سران انگلیس به شرح زیر است:

- برگزیت نه به معنای درون‌گرایی بلکه به معنای حمایت عمومی از انگلیس بین‌المللی تر و برون‌گراتر است؛

- برجسته‌سازی عبارت "دوستان قدیمی و متحدان جدید" و اهمیت یافتن متحدان و بازارهای جدید مثلاً در آسیا در کنار اروپا؛
- حمایت از نظم قاعده محور نظام بین‌الملل در مقابل بازیگران غیرمسئول آن‌هم در قرنی که از نظر ژئوپلیتیکی ستیزه‌جویانه‌تر شده است؛
- تأکید بر نقش رهبری انگلستان در حمایت از تجارت آزاد و استفاده از ظرفیت‌های آن برای ایجاد شغل در انگلیس پس‌اب‌رگزیت.

۳-۴. برگزیت و آینده یورو

تا پیش از سال ۲۰۰۲ هرکدام از دولت‌های اتحادیه اروپا واحد پول خود را داشتند. این ناهماهنگی باعث اتخاذ تصمیمی جدی برای اتحاد پولی در این سال شد. مسئله‌ای که از همان

آغاز بریتانیا با آن مخالفت‌هایی داشت تا جایی که ۱۸ سال پس از اتحاد پولی کشورهای اتحادیه اروپا، انگلستان با برگزیت، از اتحاد پولی یورو بیرون آمد؛ اینکه چقدر این جدائی به نفع یا به ضرر بریتانیا بوده و خواهد بود نیاز به بررسی دقیق دارد.

خروج بریتانیا از برگزیت می‌تواند در بلندمدت صدمات اقتصادی- تجاری‌ای را به اتحادیه اروپا وارد کند. حجم تجارت و خدماتی که بریتانیا با اتحادیه اروپا دارد حدوداً ۸۰۰ میلیارد دلار ارزیابی می‌شود رقمی که بیش از سه برابر تجارت با امریکاست (j.Lynch,2019:1). این گزاره، اصرار و تشویق بریتانیا از طرف ترامپ را برای خروج سریع‌تر از برگزیت روشن‌تر می‌کند؛ چرا که امریکای ترامپ به دنبال این بود که تجارت ۲۶۲ میلیارد دلاری خود را با بریتانیا افزایش دهد و به نوعی جایگزین خط تجاری انگلیس- اتحادیه شود. بر این اساس اگر این رویه پیش گرفته شود و کانال تجاری انگلیس- امریکا جایگزین اتحادیه اروپا شود؛ اقتصاد اتحادیه اروپا به شدت ضربه خواهد دید و احتمال جدائی دیگر کشورهای اقتصادی مهم اتحادیه مانند آلمان و فرانسه به دلیل هزینه زیان بیش از سود و صرفه اقتصادی وجود خواهد داشت.

برخی معتقدند که امکان بازگشت انگلیس به اتحادیه اروپا وجود دارد. اگرچه این تحلیل با وجود حضور بوریس جانسون که نخست وزیریش را مدیون برگزیت است و اساساً به واسطه‌ی شعار خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا پست نخست‌وزیری را بدست آورد و همچنین حضور نایجل فاراژ، رهبر حزب برگزیت که قریب به ۲۷ سال برای خروج انگلیس تلاش کرده است ناممکن به نظر می‌رسد. از طرف دیگر خروج انگلیس می‌تواند در آینده مانند روابط کانادا- اتحادیه اروپا ادامه پیدا کند کما اینکه کانادا با اتحادیه اروپا پیمان تجارت آزاد را امضا کرده است درحالی که نه عضو بازار واحد است و نه اتحادیه گمرکی! رویه‌ای که انگلیس هم می‌تواند پیش بگیرد.

برگزیت می‌تواند موجب سرازیر شدن منابع پولی و مالی به کشورهای نظیر آلمان و سوئیس که اقتصادهای باثبات حوزه یورو هستند بشود چه اینکه با خروج انگلیس از اتحادیه، سهم تجاری- پولی بریتانیا بر دوش اقتصادهای قوی اتحادیه خواهد افتاد. ذکر این نکته حائز اهمیت است که ارزش پوند انگلیس از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ در نوسان بوده است با این توصیف، برگزیت می‌تواند

رقابتی تنگاتنگ را بین نرخ تسعیر لیره استرلینگ (پول ملی بریتانیا) و یورو ایجاد کند و موجب تقویت یورو شود که البته تقویت یورو در این شرایط احتمالاً موجب بی‌ثباتی در اتحادیه نیز خواهد شد. چرا که کشورهای بدهکاری مانند ایتالیا، یونان و فرانسه را مجبور به بازپرداخت وام‌هایشان با یوروی گران‌تر می‌کند. بر این اساس در صورت کاهش ارزش پوند، منطقه یورو با پتانسیل جمعیت ۳۳۰ میلیونی که دارد می‌تواند افزایش پیدا کند و بازارهای مالی را به سمت خود متمایل سازد. شاخص کاهش قیمت پوند از ۲۰۱۶ تا اواخر ۲۰۱۹ تا پیش از خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا را می‌توان در نمودار زیر به وضوح دید:

شکل (۱): نمودار روند کاهش ارزش پوند از زمان رای به برگزیت



(Source: <https://www.macrotrends.net/2549/pound-dollar-exchange-rate-historical-chart>)

با خروج انگلیس از اتحادیه اروپا بیم آن می‌رود که دیگر اعضا نیز این رویه را دنبال کنند و آینده وحدت پولی اروپا را پس از سال‌ها تلاش به مخاطره بیاندازند اما این سناریو تا چه اندازه می‌تواند درست باشد؟ به نظر می‌رسد که اگر بریتانیا بتواند در کوتاه‌مدت شعارهای قبل از برگزیت خود را مبنی بر موفقیت این کشور بدون استفاده از یورو محقق کند احتمال خروج برخی دیگر از کشورهای عضو اتحادیه اروپا وجود دارد. مارکوس گاستینجر (استاد دانشگاه سالزبورگ)^۱ در خصوص احتمال خروج کشورهای عضو اتحادیه از منطقه یورو بر اساس شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، این کشورها را به سه دسته تقسیم می‌کند: نخست کشورهای نظیر اسپانیا، ایرلند، هلند و لیتوانی است که بسیار بعید است اتحادیه اروپا را ترک کنند. به عنوان مثال توجه داشته باشید که ایرلند به وضوح در آن دسته قرار می‌گیرد. دوم

1. Markus GA Stinger (University of Salzburg)

کشورهای که شامل فرانسه، آلمان، رمانی، بلغارستان، اسلوانی، سوئیس، هستند که احتمال خروج آنها هرچند بسیار بعید به نظر می‌رسد اما نسبت به کشورهای دسته نخست احتمال بیشتری برای خروج آنها وجود دارد. گروه سوم کشورهای هستند که بسیار بیشتر مستعد جدایی از حوزه یورو هستند و شامل باقی کشورهای عضو اتحادیه می‌شوند. یونان و ایتالیا را می‌توان در این دسته یافت. اگر از بعد دیگر به این سناریو نگاه شود، آلمان به عنوان قوی‌ترین اقتصاد اتحادیه اروپا مرکز ثقل پایداری اعضای دیگر است. تا زمانی که آلمان در اتحادیه اروپا باقی بماند، بعید به نظر می‌رسد که سایر کشورها بتوانند منافع ملی خود را با قطع روابط با بروکسل (و بنابراین، تا حد قابل توجهی، آلمان) تامین کنند. فرانسه تا حدودی مستعد حساسیت سناریوی خروج است، اما فرانسوی‌ها نیز دارای هویت اروپایی نسبتاً مشخصی هستند و با کنار گذاشتن یورو با مشکلات بزرگی روبرو خواهند شد. با توجه به جایگاه فرانسه و آلمان و نیز پایداری در اتحادیه اروپا، تصور سناریوی یک محتمل که در آن بسیاری از کشورها (در صورت وجود) ترجیح دهند که از اتحادیه خارج شوند، دشوار است (GA stinger, 2019:1).

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

بر مبنای آنچه که تاکنون شرح داده شد، در ادامه به استخراج سه سناریو و شرح آنها پرداخته می‌شود. در واقع، نظر به روند تحولات و خروج رسمی بریتانیا از اتحادیه اروپا، لازم است با نگاهی دقیق‌تر به آینده یورو در نبود بریتانیا پرداخته شود. در ادامه بر مبنای رویکرد شوارتز به سناریونویسی تلاش می‌شود، عناصر اصلی و عدم قطعیت‌ها مشخص گردد و سپس سه سناریو ارائه شود:

جدول (۱): عوامل کلیدی در سناریوها

ردیف	سطح داخلی	سطح منطقه‌ای	سطح بین‌المللی
۱	هویت طلبی	برتری قدرت مالی و اقتصادی آلمان	آمریکا
۲	وفاداری اسکاتلند و ایرلند به حفظ ساختار اتحادیه اروپا	هویت اروپایی فرانسه	چین
۳	حاکمیت	تداوم بحران یورو	روسیه
۴	مهاجرت	استقلال طلبی (یونان.. ایتالیا)	تضعیف موقعیت و نافذیت اتحادیه اروپا

جدول (۲): عدم قطعیت‌های موجود در سناریوها

ردیف	سطح داخلی	سطح منطقه‌ای	سطح بین‌المللی
۱	اجرای شدن تعرفه صفر سهمیه صفر میان اتحادیه اروپا و انگلیس پس از برگزیت	رشد ملی‌گرایی در منطقه اروپا	نقش و نفوذ امریکا
۲	بازگشت به (اتحادیه اروپا)	کاهش یا افزایش رشد اقتصادی اتحادیه اروپا	شکست ترامپ
۳	تضعیف یا افزایش جایگاه انگلیس در اروپا	همگرایی یا واگرایی در روابط مالی - تجاری	همگرایی و واگرایی در روابط سیاسی و امنیتی فرا اتلانتیکی
۴	افزایش یا کاهش ارزش پوند	به هم خوردن موازنه تجارت میان اتحادیه اروپا و انگلیس	مستحکم تر شدن خط ارتباطی لندن - واشنگتن

جدول (۳): سناریوها؛ شرایط وقوع و موانع وقوع

سناریو اول: خوشبینانه (مطلوب مرجح)	سناریو دوم: حفظ وضع موجود:	سناریو سوم: بدبینانه (محتمل)	کارت‌های شگفتی ساز
همگرایی جامع یا باز آفرینی اتحادیه اروپا	باورپذیری اروپا در قالب جامعه چند قطبی	فروپاشی مالی اتحادیه اروپا	
پیشران: اقتدار مالی اروپا، تمایل اعضای جدید برای پیوستن به منطقه یورو، رهبری و مدیریت مالی آلمان، همگرایی مالی و سیاسی بیشتر میان برلین - پاریس پس از برگزیت، استقلال منطقه یورو از دلار، اروپاگرایی	پیشران: حرکت اتحادیه اروپا به سمت چند قطبی، رقابت بر سر رهبری مالی و سیاسی، دخالت آمریکا در امور داخلی اروپا، ضعف مالی اعضای جدید (اروپای شرقی)	پیشران: حس جدایی طلبی میان قدرت‌های مالی اصلی در منطقه یورو؛ حادثه‌تر شدن بحران مالی میان اعضا به دلیل تقسیم آن به کشورهای دارا (آلمان - فرانسه....) و کشورهای ضعیف (یونان، ایتالیا.....) کاهش رشد مالی اتحادیه همزمان با تشدید بیکاری، خروج سرمایه شرکت‌های چند ملیتی از منطقه یورو، رشد ناسیونالیسم و افول اروپاگرایی در پی تشدید پوپولیسم	بازگشت بریتانیا به اتحادیه اروپا حمایت جوبایدن از اتحادیه اروپا کاهش ارزش یورو و احتمال فروپاشی حوزه مالی یورو افزایش بدهی‌ها اعضا
سدکننده‌ها: وجود اعضای گریز از مرکز چون یونان و ایتالیا، تضعیف منطقه یورو پس از خروج بریتانیا، وجود رقابت میان آلمان و فرانسه بر سر رهبری اتحادیه اروپا، تضعیف آتلانتیک‌گرایی پس از خروج بریتانیا	سدکننده‌ها: توافق مالی با بریتانیا پس از برگزیت، همکاری مالی تجاری اتحادیه اروپا با قدرت‌های نوظهور جهانی چین - هند و روسیه.	سدکننده‌ها: حمایت قدرت‌های بزرگ اتحادیه از کشورهای متوسط و ضعیف در حوزه مالی یورو، رشد بازارهای مالی اروپا با همگرایی بیشتر پس از برگزیت، توافق بلند مدت مالی با بریتانیا	

حال پس از ارائه سناریوهای سه گانه براساس رویکرد شوارتز، در ادامه و بر مبنای گام‌های هشت گانه در مباحث شوارتز به تشریح سناریوهای یادشده پرداخته می‌شود.

۱. سناریو مطلوب، همگرایی جامع یا بازآفرینی اتحادیه اروپا. اتحادیه مالی و اقتصادی اروپا کامل شده و روند عضویت در اتحادیه شتاب بیشتری خواهد گرفت. شاخص حاکمیتی: هیچ شاخص حاکمیتی در قالب بی‌نظمی وجود ندارد و تمایلی برای خروج از اتحادیه وجود ندارد.

وضعیت عضویت‌ها: اعضای فعلی به عضویت کامل اتحاد مالی و اقتصادی اروپا (Emu) پیوسته و هشت کشور خواهان عضویت (لهستان، لیتوانی، ...) نیز در چرخه عضویت در پول واحد قرار دارند؛ گرچه بریتانیا هیچ وقت به منطقه یورو نپیوست.

تمرکزگرایی: با حمایت بانک مرکزی اروپایی، روند انسجام و وحدت مالی در این اتحادیه بیشتر شده و نیز بیمه مرکزی بدهی‌ها موجود را مدیریت نموده است. بدهی‌ها: میزان بدهی کاهش یافته و هزینه وام گرفتن در منطقه یورو پایین آمده است. نرخ رشد: میزان رشد روبه بالاست و بیکاری در میان اعضای اتحادیه روبه کاهش است. اروپاگرایی: رشد معقول اقتصادی سد باب شعارهای ضد اروپائی‌گرایی شده در همان حال همگرایی بیشتر به یک احساس همه‌گیر در اتحادیه اروپا بدل شده است.

۲. سناریو اروپا در قالب جامعه چندقطبی
دورنمای آینده: اروپا به سمت چندمرکزی یا چندقطبی از لحاظ مالی و سیاسی حرکت خواهد کرد.

شاخص حاکمیتی: با خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، تکاپوی یونان و حتی ایتالیا نیز برای خروج بیشتر می‌شود ولی جریان خروج با خواست آلمان و فرانسه برای حفظ اتحادیه اروپا متوقف می‌شود.

تمرکزگرایی: رویای اروپا متحد و واحد از نظر مالی و سیاسی گرچه با خروج بریتانیا رنگ باخته با این وجود تشکیل بانک مرکزی اروپا و تزریق پول از سوی کشورهای قدرتمند نظیر آلمان و فرانسه به شکل‌گیری شبکه گسترده مالی و همکاری‌های مالی در درون اتحادیه کمک

خواهد کرد.

وضعیت عضویت: تعداد کمی از کاندیداهای عضویت در اتحادیه شرایط پیوستن به آن را پیدا می‌کنند.

بدهی‌ها: شرایط باز پرداخت بدهی‌ها برای بعضی اعضای عضو اتحادیه بهتر می‌شود ولی همچنان میزان بدهی در سطح بالای تخمین زده می‌شود.

نرخ رشد اقتصادی: نرخ رشد اقتصادی با تکان‌های مثبتی روبرو می‌گردد ولی این رشد در سطح متوسط باقی می‌ماند از دیگر سو میزان بیکاری همچنان بالاست.

اروپاگرایی: بدلیل مشکلات اقتصادی و نرخ بیکاری ضدیت با اروپای‌گرایی در میان اعضا و شهروندان اروپایی از مقبولیت بیشتری برخوردار است. با این وجود، وفاداری سیاسی و حفظ امنیت یکپارچه اروپا طرفداران زیادی دارد. جنبش ضد همگرایی به پوپولیسم موجود دامن می‌زند.

۳. سناریو واگرایی

دورنمایی آینده: اتحادیه اروپا به سمت واگرایی بیشتر حرکت خواهد کرد.

شاخص حاکمیتی: اروپای واحد و یکپارچه با موج جدید استقلال‌طلبی به کشورهای مستقل تبدیل خواهد شد.

وضعیت عضویت: هیچ کدام از کاندیداهای جدید به اتحادیه نخواهند پیوست، و اتحادیه اروپا در قالب یک نماد باقی خواهد ماند.

تمرکزگرایی: منطقه یورو با بروز آشوب‌های ساختاری در زمینه مالی و پولی و تضعیف همزمان سازمان‌ها و نهادهای وابسته به آن بیش از گذشته تضعیف خواهد شد.

بدهی‌ها: میزان بدهی انباشته شده از زمان قبل به‌ویژه در میان اعضای ضعیف بیشتر و به رشد بیکاری فزاینده منجر می‌شود. البته وضعیت آلمان و چند کشور دیگر متفاوت‌تر است.

۶. نتیجه‌گیری

در این مقاله و با بررسی‌های صورت گرفته بر مبنای مطالعات آینده پژوهشی، سه سناریو به ترتیب زیر به دست آمد:

طبق سناریو اول با عنایت به وضعیت خاص انگلیس در اتحادیه اروپا و تمایل به گسترش روابط فراتلانتیکی و پیامدهای منفی مهاجرت برای انسجام اتحادیه اروپا (Shushtari, 2020) سناریو نخست این است که با خروج انگلستان از اتحادیه اروپا که همیشه از مخالفان وحدت پولی بود این امکان فراهم شده است که اتحادیه اروپا با محوریت دیگر اقتصادهای برتر مانند فرانسه، آلمان و سوئیس در مسیر انسجام و همگرایی بیشتر حرکت کند. نگارندگان این سناریو را محتمل‌ترین سناریو می‌دانند.

سناریو دوم این است که با توجه به اینکه بحران مالی سال ۲۰۰۸ ناکارآمدی نهادهای مالی اتحادیه اروپا را نشان داد و سبب تقویت احزاب پوپولیست و راست‌گرای شد که خواهان خروج از اتحادیه اروپا شدند، دیگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز ممکن است بر اساس اصل سود و زیان به این نتیجه برسند که ضررهای پایبندی به پول واحد بیشتر از نفع آن است و لذا صرفاً از پیمان وحدت پولی خارج شوند. این امر اتحادیه اروپا را چندقطبی می‌کند.

طبق سناریوی سوم با فاصله گرفتن انگلیس از حوزه یورو و تحکیم مناسبات تجاری و سیاسی با آمریکا ممکن است اروپا با تغییر توازن قدرت و شکل‌بندی قطب‌های جدید وارد دوره تازه‌ای از چالش‌ها گردد و ممکن است آن را در مسیر فروپاشی قرار دهد. طبق سناریو نخست محتمل‌ترین سناریو است با عنایت به وضعیت خاص انگلیس در اتحادیه و تمایل به گسترش روابط فراتلانتیکی و معضلات بحث مهاجرت و پول واحد اروپا (یورو) خروج این کشور می‌تواند نظم و انسجام بیشتری برای اتحادیه اروپا در پی داشته باشد. این همگنی به دلیل خواست مشترک آلمان به عنوان غول اقتصادی اروپا و نیز فرانسه به دلیل پیشینه سیاسی و نظامی در قاره سبز محتمل‌تر به نظر می‌رسد. طبق این سناریو پتانسیل جمعیتی حوزه یورو که ۳۳۰ میلیون نفر است خود مولفه اثرگذار بر همگرایی و تداوم وحدت پولی اروپا است. حتی با خروج انگلیس نیز کشورهای نظیر آلمان، سوئیس و فرانسه که اقتصادهای قوی دارند می‌توانند بازار بهتری در تجارت داشته باشند. بر مبنای بدبینانه‌ترین سناریو یعنی سناریو سوم باید گفت که نخستین پیامد خروج انگلیس از حوزه یورو تا ثیرات مستمر در سه حوزه ژئوپلیتیکی - ژئواکونومیکی و ژئوکالچری در سطوح منطقه‌ای و جهانی است. با فاصله گرفتن

انگلیس از حوزه یورو و تحکیم مناسبات تجاری و سیاسی با آمریکا ممکن است اروپا با تغییر توازن قدرت و شکل‌بندی قطب‌های جدید وارد دوره تازه‌ای از چالش‌ها گردد. چالش‌های احتمالی می‌تواند منجر به بحران‌های جدیدی برای اروپا گردد. برای مثال، بحران پولی - مالی اتحادیه اروپا که تقریباً همزمان با بحران اقتصادی جهانی از سال ۲۰۰۸ آغاز شد شکاف عمیقی را در اتحاد یورو در بین کشورهای عضو پدید آورد و رشد احزاب پوپولیست در چندین کشور عضو را که خواستار جدائی کشورشان از اتحاد یورو بودند را بیشتر کرد، تا جایی که در سال ۲۰۱۶ انگلستان جدائی از اتحادیه اروپا را به رای عموم گذاشت و البته اکثریت مردم، نظر به ترک اتحادیه را دادند تا ۴ سال بعد یعنی در پایان سال ۲۰۲۰ بریتانیا رسماً از این اتحاد خارج شد. از طرف دیگر موضوعی احتمالی که بر بازگشت مجدد انگلیس به این اتحادیه اشاره دارد این مسئله را مطرح می‌سازد که در صورت بازگشت دوباره‌ی انگلستان به اتحادیه اروپا، بعید به نظر می‌رسد که این کشور با توجه به مخالفت‌های پیشین، تمایلی به پیوستن به اتحاد پولی یورو داشته باشد و در بهترین حالت ممکن، بریتانیا در صورت بازگشت، برای تسهیل قوانین گمرکی، سامان دادن به بحث اشتغال و تداوم روابط سیاسی مشتاق خواهد بود؛ چرا که انگلستان در برهه‌های مختلف نشان داده است که پوند را ارجح بر یورو می‌داند. طبق سناریوی سوم که بر واگرایی و ادامه رویه انگلیس از جانب دیگر کشورهای عضو اتحادیه تاکید دارد در صورتی که کشورهای عضو یورو، به این نتیجه برسند که ضرر عضویت در این اتحادیه بیش از منافع آن است. احتمال خروج برخی از آنها نیز در آینده وجود دارد و البته این سناریو درخصوص کشورهای چو آلمان و فرانسه بعید به نظر می‌رسد. بر این اساس؛ آینده وحدت پولی اروپا را در حالت بدبینانه می‌توان این‌گونه در نظر گرفت که اگر کانال تجاری انگلیس - آمریکا مستحکم‌تر از پیش شود احتمال تزلزل در روابط تجاری اتحادیه اروپا با انگلیس وجود دارد و البته بنابر آنچه گفته شد این احتمال نیز وجود دارد که کشورهای نظیر فرانسه نیز عطای اتحاد یورو را به لقایش ببخشند و به دنبال سود و کسب منافع ملی بیشتر باشند. سناریو دوم نیز بحث انتفاع طرفین و توافق اتحادیه اروپا با انگلیس در قالب حفظ و تداوم همکاری‌های مشترک پس از خروج تاکید دارد، یعنی حفظ وضعیت موجود و ادامه

همکاری‌های قبلی در حوزه مالی و سیاسی است.

۷. قدردانی

نویسندگان مقاله در پایان بر خود لازم می‌دانند که کمال سپاسگزاری از معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، گروه حقوق و علوم سیاسی و نیز دست‌اندرکاران فصلنامه ژئوپلیتیک را داشته باشند.



References

1. Abdolrahim, P. (2009). Futurology: Concepts and Methods, Tehran: Defense Science and Technology Futures Research Center, Defense Industries Educational and Research Institute. **[In Persian]**
2. Amadeo, K.(2021). What Was Brexit and How Did It Impact the UK, EU, AND the US, The Balance, available at: <https://www.thebalance.com/brexit-consequences-4062999>.
3. Davoodifar, S. (2008). Geopolitical Attitudes toward France's Position in the European Union, Foreign Policy Quarterly, V,5, No,16,PP.129-140. **[In Persian]**
4. Fay, R. (2019).The Long-simmering Economic Issues behind Brexit, CIGI, available at: <https://www.cigionline.org/articles/long-simmering-economic-issues-behind-brexit>.
5. Friedman, R; Thiele, M. (2012). European Identity and Culture: Narratives of Transnational Belonging, Ash gate Pub Co.
6. Hafeznia, M.R; Mokhtari Hashi, H; Rokanuddin Eftekhari, A. R .(2012). A Study of the Challenges of Political Geography in Regional Convergence: A Case Study of the ECO, Geopolitics Quarterly, V,8, No 1, pp.1-49. **[In Persian]**
7. Haji Naseri, S. (2019). States, Culture and Identity Movement in Chaos Geopolitics. Geopolitics Quarterly, 14(52), 21-45.
8. HM Treasury. (2019). Estimates of equilibrium exchange rates for sterling against the euro", available at: <http://www.nationalarchives.gov.uk/webarchive>.
9. j. Lynch, D. (2019). Trump Might Exit less When He Sees What It Does, Washington Post.
10. Jalaei Esfandabadi, A; samimi, S.(2015). Study of Economic Compatibility in the Euro zone and the Role of it in Euro Crisis, Economic Research, No,4,pp.25-45. **[In Persian]**
11. Karimi, M. (2020). Spatial Reflections of Regional Legal Treaties: A Case Study of the EU Legal Treaties, Geopolitics Quarterly, V, 15, No, 56, pp. 52-78.
12. Khalouzadeh, S. (2011). European Union, Fourth Edition, Tehran, Samt Press. **[In Persian]**
13. Mirfakhraee, S. H. (2016). The Impacts of Disagreements Between the EU Member States, Geopolitics Quarterly, V, 12, No,43pp.152-167. **[In Persian]**
14. Nuttal, S. (2005). Coherence and Consistency in International Relations of the European Union, Oxford University Press.
15. Opperman, K; Beasley, R; Karabo, J. (2019). British foreign policy after Brexit: Losing Europe and finding a role, International Relations, available at: <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0047117819864421>.
16. Qawam, A.A.(2011). International Relations: Theories and Approaches; Tehran: Samat Press. **[In Persian]**
17. Redwood, J .(2003). Britain and Europe: Yes, to a Common Market. No to Monetary and Political Union, Global Dialogue, V,14, No. 3-4, PP.32-48.

18. Roumina, E; Alavi shushtari, S.; Hafeznia, M. (2020). Political Reflections on International Migration from the Middle East to Europe, Geopolitics Quarterly, 16(59), 29-51. **[In Persian]**
19. Sadeghlou, S.; Hafeznia, M.; Safavi, S.; Roumina, E. (2019). Role of Regional Integration in MERCOSUR Regional Peace and Development An Approach to Human-Centered Geopolitics, Geopolitics Quarterly, 15(56), 1-24.
20. Schwartz, P. (2008). Principles and Principles of Scenario Making. The Art of Planning Foresight for the Future in an Uncertain World, Translated and Edited by Alizadeh, A; Abdolmajid, K. Tehran: Defense Industries Educational and Research Institute and Research of future science and technology. **[In Persian]**
21. Shirzai, H.A. (2017). Brexit and its legal, geopolitical and political-security implications, Quarterly Journal of World Politics, V 6, No 4, pp. 157-185. **[In Persian]**
22. stinger, M (2019). Will a eeeeeee c lll ww eee KK ttt of eee UU? hh tt's unlikely, London School of Economics and Political Science.
23. Tisdall, S. (2020). aaaa eee aa cr,,, lll eeeeee eeee a arr aa,, ss rrr eee' eett hope, The Guardian News, available at: <https://www.theguardian.com/commentisfree/2020/feb/08/emmanuel-macron-pilloried-home-abroad-europe-best-hope>.
24. TO the economy, Washington post, available at: https://www.washingtonpost.com/business/economy/trump-has-cheered-on-brexite-but-fallout-could-impact-his-economy-and-reelection/2019/09/04/13224996-cf58-11e9-87fa-8501a456c003_story. Html.
25. Zali, N. (2011). Strategic Foresight and regional policy with emphasis on scenario planning approach, Strategic Studies Quarterly, V, 16 No. 4, PP. 33-54. **[In Persian]**